

نسبت دوره فاطمیان و تاریخ تمدن اسلامی: تأملی نظری^۱

زینب فضلی^۲

استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

دوره فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷هـ) در تاریخ تمدن اسلامی چه جایگاهی دارد؟ با آن که در تاریخ سیاسی و مذهبی اسلام این دوره کم و بیش دوره‌ای مهم محسوب می‌گردد، در مطالعات تمدن اسلامی جایگاه چندان روشن و برجسته‌ای برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. در واقع، تمرکز بر دوره و سرزمینی خاص در مطالعات تمدنی و به صورت مشخص عراق عصر عباسی مانع از ترسیم جایگاه تمدنی مراکز دیگر هم‌عصر با آن یا تمدن‌واره‌های مهم ذیل تمدن اسلامی از جمله تمدن دوره فاطمیان شده است. از این روی شایسته است نسبت این دوره با تاریخ تمدن اسلامی بازخوانی و تبیین شود. برای انجام این مهم در این مطالعه از روش تبیین تاریخی با رویکرد نظری-مفهومی تکثرگرایی مراکز تمدنی استفاده شده است. با توجه به تطبیق روزگار فاطمیان با اهم الزامات یک دوره تمدنی به مانند استقرار دولتی قدرتمند به عنوان اداره کننده و حافظ امنیت جامعه، قلمرو سیاسی و تمدنی گسترده از مغرب تا شام، به انضمام حجاز و یمن با مرکزیت و محوریت مصر به عنوان بستر جغرافیایی مطلوب و نیز جامعه انسانی فعال و مولد ثروت مادی و معنوی می‌توان از دوره‌ای موسوم به تمدن اسلامی در دوره فاطمیان سخن گفت. همچنین به واسطه کوشش‌های حاکمان فاطمی در عرصه تمدن‌سازی و ارتقاء جایگاه مصر به عالی‌ترین جایگاه از نظر فرهنگی و تمدنی در دوره اسلامی حتی می‌توان از تمدن عصر فاطمی یا تمدن فاطمیان نیز یاد کرد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ تمدن اسلامی، ادوار تمدنی اسلام، دوره فاطمیان، تمدن فاطمیان.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۶. (این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «فرصت مطالعاتی اعضای هیات علمی در جامعه و صنعت» نویسنده است که از ۱۴۰۰/۶/۱ تا ۱۴۰۱/۶/۱ با حمایت دانشگاه الزهراء در بنیاد دائرةالمعارف اسلامی به انجام رسیده است.)

۲. رایانامه: z.fazli@alzahra.ac.ir

مقدمه

دولت فاطمیان یکی از دولت‌های مهم و تأثیرگذار در روند و تحولات تاریخ اسلام به‌شمار می‌رود و به واسطه طول دوره (۲۹۷-۵۶۷هـ) و گستره قلمرو تحت فرمان آن از شمال آفریقا تا حجاز، بالطبع می‌توان حدی از نقش‌آفرینی در سیر تمدن اسلامی را برای این حکومت قائل شد. فاطمیان در نیمه نخست قرن پنجم هجری، قدرتمندترین قدرت سیاسی در جهان اسلام محسوب می‌شدند و قلمرو و حوزه حضور و نفوذ آن‌ها در اوایل دوره المستنصر بالله (حک ۴۲۷-۴۸۷هـ) به گسترده‌ترین حد آن رسیده بود و علاوه بر مصر، سرزمین‌های شمال آفریقا، صقلیه، شامات، حجاز، یمن، عمان، بحرین و سند را هم دربرمی‌گرفت. به‌رغم این‌که در مطالعات تاریخی، دوره فاطمیان هرچند به‌عنوان یک دوره فرعی تاریخی از تاریخ اسلام، کم و بیش مورد توجه بوده‌است، اما در پژوهش‌های تاریخ تمدن اسلامی نگرش و توجه به آن چندان که باید جدی نیست. رویکرد نقی و وجهه تمدنی عصر فاطمیان تا بدان حد پررنگ است که حتی در مطالعات تاریخی مختص فاطمیان، به‌رغم برشمردن بخشی از دستاوردهای فرهنگی و تمدنی این دوره، چندان وجهه تمدنی قابل‌اعتنایی بدان داده نمی‌شود و به شکل پرسش‌برانگیزی در تاریخ تمدن اسلامی از این دوره به‌عنوان یک «عصر یا دوره مهم تمدنی» بحث جدی به میان آورده نمی‌شود. به‌نظر می‌رسد اطلاق تعابیری مانند فرقه، بدعت، الحاد و امثال آن در خصوص اسماعیلیان و فاطمیان، بر اساس نگاه کلامی و مواضع مذهبی-جدلی مخالفان،^۳ عملاً مانع از ترسیم و شناخته شدن جایگاه راستین تمدنی فاطمیان در تاریخ تمدن اسلامی شده‌است. ازاین‌رو، می‌توان گفت که برخلاف تحولات تاریخی عمدتاً سیاسی و مذهبی، حضور و نقش تمدنی فاطمیان و نقش و جایگاه دوره فاطمیان در تاریخ تمدن اسلامی به شکل بایسته و مطابق با واقعیت‌های تاریخی-تمدنی آن، بازشناسی و تبیین نشده‌است.

به‌عنوان یک واقعیت تاریخی مسلم، تلاش‌های زیادی جهت حذف فاطمیان از

خاطره تاریخی جهان اسلامی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به ابویان اشاره کرد که همت خود را بر انهدام و از میان بردن کتابخانه فاطمیان، یکی از شاخص‌ترین نمادهای تمدنی این دوره، به کار بستند و این عمل تمدن‌ستیزانه به مثابه افتخاری برای آن‌ها در منابع تاریخی بازتاب داده شده است. از این‌رو، همان‌طور که بسیاری از تألیفات تاریخی عصر فاطمیان از میان رفته است و به تبع آن، فاطمیان تا سده اخیر اغلب از دریچه چشم دیگران (عمدتاً اهل سنت) معرفی و شناخته می‌شدند، تمدن اسلامی عهد فاطمی نیز مورد اعتنا و توجه نبوده است. مورخان متقدم مسلمان، به جز افراد کم‌شماری مانند مقریزی (د ۸۴۵هـ)، نیز اغلب علاقه‌ای برای ارائه تصویر مطلوبی از فاطمیان از هر دو منظر تاریخی و تمدنی نشان نداده‌اند. در واقع می‌توان گفت مخدوش کردن جایگاه تمدنی فاطمیان در دوره پس از سقوط این دولت (۵۶۷هـ) در عرصه میدانی و نیز در نگاشته‌های تاریخی، تأثیر ماندگار خود در نگرش به دوره فاطمی را استمرار بخشیده است. با توجه به این‌که فهم موارث تمدن اسلامی در همه ابعاد آن، مستلزم توجه به همه ادوار و جریان‌ها، افراد و گروه‌هایی است که در آن مشارکت داشته‌اند و دولت و دوره فاطمیان نیز از این امر مستثنی نیست. با در پیش چشم داشتن این مهم که در میان دولت‌های شیعی قبل از صفویان، نقش تمدنی فاطمیان خاص و ویژه بود و اغلب به عنوان «بزرگ‌ترین موفقیت مذهبی-سیاسی و فرهنگی اسلام شیعی» در آن ادوار محسوب می‌شود،^۴ پژوهش حاضر بر آن است وجوه مختلف جایگاه دوره و دولت فاطمیان در تاریخ اسلام و تاریخ تمدن اسلامی را به صورت نظری مورد بحث قرار دهد و به عنوان یک بررسی مقدماتی، زمینه بازانندیشی اهمیت دوره فاطمیان در تاریخ تمدن اسلامی را فراهم آورد.

کارنامه تمدنی فاطمیان در آثار تمدن‌پژوهان و فاطمی‌پژوهان

مطالعات و پژوهش‌هایی را که در آن‌ها به برخی وجوه تمدنی عصر فاطمیان توجه

4. Daftary, 253.

شده است، می توان در دو دسته عمده قرار داد: مطالعات مربوط به تاریخ و تمدن اسلامی، که اغلب تاریخ اسلام را به صورت عمومی و تاریخ تمدن مسلمانان را به مثابه یک کل واحد بررسی می کنند. همچنین تعدادی از مطالعات تاریخ فاطمیان نیز برخی دستاوردها و آثار فرهنگی و تمدنی دوره فاطمی را مورد توجه قرار داده اند. در چارچوب رویکرد عمومی و کلی در مطالعات مذکور، اغلب از فاطمیان با تعبیر سلسله و خاندانی حکومتگر و مسلمان یاد می شود و چندان که باید وجه تمدنی دوره فاطمیان مد نظر قرار نمی گیرد. جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلام به رغم اشاره به این که فاطمیان آثار بزرگی همچون شهر قاهره و جامع الازهر در مصر پدید آوردند،^۵ بر این باور رفته است فاطمیان در بسیاری از امور صرفاً از عباسیان تقلید کرده اند.^۶ فیلیپ حتی^۷ از معدود افرادی است که در کتاب تاریخ عرب پس از بررسی تاریخ دوره فاطمیان به صورت خلاصه اهم مسائل فرهنگی و تمدنی دوره فاطمیان در مصر را بررسی کرده است.^۸ با این اوصاف، از نظر حتی در قلمرو وسیع فاطمیان، تنها در مصر فرهنگ عصر فاطمی نمودار شد.^۹ کارل بروکلمان در تاریخ ملل و دول اسلامی، فاطمیان را از نظر دسته بندی در دولت های اسلامی ذیل سلسله های کوچک اسلامی قرار داده است^{۱۰} که با وجود مشکلات و ضعف، توانستند بناهای مجللی را بسازند.^{۱۱} گوستاولوبون در فصل سوم تمدن اسلام و عرب با عنوان «تمدن اسلامی در مصر»،^{۱۲} اوج تمدن اسلامی در مصر را در زمان خلفای فاطمی می داند. از نظر او در این دوره قاهره در

۵. زیدان، ۷۶.

۶. همو، ۸۳۹.

7. Philip K. Hitti

۸. حتی، ۷۸۵-۷۹۴، ۷۹۴-۷۹۴، ۸۰۳.

۹. همو، ۷۹۵.

۱۰. بروکلمان، ۲۱۵-۲۲۳.

۱۱. همو، ۲۲۲.

۱۲. لوبون، ۲۸۴.

ردیف بغداد قرار گرفت، هر چند که تأکید می‌کند که «این ارتقاء و اعتلاء بیشتر در صنعت و حرفت بوده نه در علوم و فنون».^{۱۳} آدام متز در تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری نگاهی عراق - بغداد محور به تمدن اسلامی دارد و به‌رغم این‌که برپایی دولت فاطمی را مهم‌ترین واقعه سیاسی قرن چهارم هجری می‌داند، معتقد است که «فاطمیان از جهت معنوی چیز تازه‌ای نیاوردند».^{۱۴} کلود کاهن در تاریخ العرب والشعوب الإسلامية ضمن بررسی خود از تاریخ اسلام به دولت فاطمیان نیز پرداخته و عمدتاً تاریخ سیاسی این سلسله به همراه برخی مسائل دینی و مذهبی مربوطه به اسماعیلیه و فاطمیان را بررسی کرده است.^{۱۵} و. و. بارتلد در فرهنگ و تمدن اسلامی خود که به‌مانند متز با محوریت بغداد-عراق و شرق جهان اسلام مسائل تمدن اسلامی را بررسی می‌کند، با وجود اشاره به شکوه دربار فاطمیان و رفاه و رونق چشمگیر قلمرو تحت فرمان آن‌ها صریحاً این نظر را در خصوص تمدن در روزگار فاطمیان ارائه می‌دهد که «قاهره قرن دهم/چهارم تقریباً هیچ تأثیری بر فرهنگ اسلام بر جای نگذاشت».^{۱۶} آندره میگل^{۱۷} در کتاب اسلام و تمدن اسلامی، به تمدن فاطمیان ذیل مبحث «موفقیت‌های منطقه‌ای» اشاره و صرفاً به ذکر برخی موفقیت‌های آن‌ها بسنده می‌کند.^{۱۸} حسین مؤنس در تاریخ و تمدن مغرب با در پیش گرفتن رویکرد نقی دستاوردهای تمدنی فاطمیان، دوره حضور آن‌ها در مغرب را سرآغاز «عصر طوفان‌ها» در نظر گرفته است.^{۱۹} کتاب تاریخ الدولة الفاطمیه فی مصر تفسیر جدید نگاشته ایمن فوآد سید را می‌توان از جمله مطالعات جامع در خصوص تاریخ فاطمیان در مصر به‌شمار آورد که بخش دوم این اثر

۱۳. همو، ۲۸۴.

۱۴. متز، ۳۴۸، ۳۴۹.

۱۵. کاهن، ۲۷۷-۲۷۸، ۳۱۴-۳۲۲.

۱۶. بارتلد، ۷۹.

17. Andre Miguel

۱۸. میگل، ۱۷۵/۱ به بعد.

۱۹. مؤنس، ۸-۶/۱، ۵۲۶.

(الكتاب الثاني) با عنوان «التَّظْم و الحَضَارَة» مشتمل بر مباحث تمدنی عصر فاطمیان در مصر است.^{۲۰} سید علاوه بر بررسی تفصیلی ساختار حکومت، دواوین فاطمیان و تشکیلات قضائی، کاخ‌های فاطمیان و رسوم دربار، به مباحث تمدنی مانند فعالیت‌های اقتصادی، نظام پولی، فرهنگ و آموزش (تعلیم)، ساختمان‌سازی (ابنیه) و هنرهای مختلف پرداخته است. بر این اساس، این اثر را می‌توان جدی‌ترین مطالعه در خصوص مسائل تمدنی عصر فاطمیان به‌شمار آورد. عبدالعزیز ماجد در ظهور الخلافة الفاطمیین و سقوطها فی مصر نیز به مانند بسیاری از مطالعات از تاریخ فاطمیان تاریخ تحولات سیاسی این دوره را اساس کار خود قرار داده است. با این اوصاف ضمن مباحث خود به مسائل فرهنگی و تمدنی مانند تشکیلات، امور مالی، تجارت و صناعت، رفاه دولت و مردم، برپا داشتن شرایع و اعیاد مذهبی، مناسبات با اهل سنت و اهل ذمه توجه داشته است.^{۲۱} بررسی مختصر م. کانارد^{۲۲} از تاریخ فاطمیان در مدخل «فاطمیان»^{۲۳} در دائرةالمعارف اسلام (EI²) را، از نظر اشتغال بر مباحث تاریخی (تاریخ سیاسی) و مباحث فرهنگی و تمدنی، می‌توان از جمله معدود بررسی‌های جامع دانست. کانارد در قسمت پایانی مقاله، ضمن مطرح کردن این واقعیت که «تاریخ این سلسله تاریخ منطقه مدیترانه خاور نزدیک را دربرمی‌گیرد»، این نکته مهم را بیان می‌کند که تاریخ فاطمیان و یا در اصل تاریخ فرهنگی-تمدنی این دوره به واسطه تعصبات مذهبی، اغلب آگاهانه به وسیله مورخان اهل سنت بیان نشده است.^{۲۴}

تأملی نظری-مفهومی بر مطالعه تاریخی تمدن اسلامی

تمدن اسلامی به مانند تمدن‌های بزرگ دیگر، علاوه بر این که منظومه‌ای مشتمل از فرهنگ،

۲۰. سید، تاریخ الدولة الفاطمیه فی مصر تفسیر جدید، ۳۱۴ به بعد.

۲۱. ماجد، ظهور الخلافة الفاطمیین و سقوطها فی مصر، ۲۴۱-۲۹۸.

22. M. Canard

23. Canard, ii/850-862.

24. Idem, iii/862.

سیاست و اقتصاد بوده، مراکز و کانون‌های تمدنی متعددی نیز داشته‌است که در کنار هم استمرار تاریخی آن را ممکن کرده‌اند. مناسبات و پیوستگی کانون‌های تمدنی در جهان اسلامی با یکدیگر همواره تا بدان حد وثیق و استوار بوده‌است که تمدن‌پژوهان اغلب ترجیح داده‌اند این کانون‌ها را چشم‌اندازهای یک تمدن واحد به‌شمار آورند و از تمدن اسلامی، به عنوان یک کل یا مفهوم کلی بحث کنند. با این اوصاف، در مطالعات تاریخ تمدن اسلامی نوعی از مرکزگرایی نیز به‌چشم می‌خورد، بدین معنی که اغلب بغداد و عراق مرکز و کانون اصلی تمدن اسلامی در نظر گرفته شده و سایر مناطق و مراکز در حاشیه آن نگریسته می‌شود. اگرچه به‌نظر می‌رسد این نگاه و نگرش با هدف ایجاد نوعی انسجام با محوریت یک مرکز اصلی تمدنی برای کلیت تمدن اسلامی در نظر گرفته می‌شود، اما با توجه به وجود مراکز متعدد فرهنگی و تمدنی مهم دیگر در جهان اسلام در کنار بغداد در همین بازه زمانی، مانند قاهره در مصر و قرطبه در اندلس، عملاً فرضیه و ایده تصور یک مرکز واحد یا یک مرکز-محور برای تمدن اسلامی و جاهت خود را از دست می‌دهد، به‌ویژه این‌که در مقطعی قاهره به یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی جهان اسلام به‌مانند بغداد تبدیل شد.^{۲۵} از این رو، حتی برای قرون نخستین اسلامی (به‌ویژه در سده چهارم تا ششم هجری) نیز باید مراکز متعدد تمدنی در جهان اسلام قائل شد.^{۲۶} بر این اساس، می‌توان در یک نمای کلی، با تأکید بر ماهیت دینی تمدن اسلامی از منظر وحدت‌گرایی بدان نگریست و در نمای نزدیک با تأکید بر وجوه تمایز مناطق و ادوار از همدیگر، ساحت کثرت‌گرایی آن را بازشناسی کرد.

برای درک کامل تمدن اسلامی لازم است ابتدا بدان به عنوان یک کلان‌تمدن نگریسته

۲۵. نک. الرفاعی، ۳۴.

۲۶. لازم به ذکر است که اگر چنین تصور و رویکردی تا اواسط قرن هفتم هجری و سقوط بغداد به دست مغولان به‌صورت نظری قابل توجیه باشد، اما با برافتادن عباسیان (۶۵۶هـ) و از مرکزیت افتادن بغداد از نظر فرهنگی و تمدنی چنین تصویری هر گونه توجیه نظری خود را نیز از دست می‌دهد.

شود و در این صورت می‌توان ذیل آن تمدن‌ها و نیز تمدن‌واره‌هایی را شناسایی کرد که در مناطق مختلف جهان اسلامی، هم‌زمان و به موازات هم از نظر زمانی، یا در دوره‌ها و اعصار تاریخی مختلف ظهور یافتند و به واسطه برخورداری از روح تمدنی یکسان، یعنی دین اسلام و آیین مسلمانی، دارای ماهیتی واحد بودند اما در عین حال به دلیل تفاوت‌های محیطی و اجتماعی، رنگ و لعاب و گاهی اشکال مختلف و متنوعی پیدا کردند. با توجه به این واقعیات، بر اساس ویژگی‌ها و واقعیت‌های تاریخ اسلام، می‌توان دو الگو یا «مدل جغرافیا-سرزمین محور» و «مدل جامعه-سلسله محور» را برای مطالعه تمدن‌واره‌های ذیل کلان‌تمدن اسلامی پیشنهاد کرد. در مدل پیشنهادی نخست، هر کدام از سرزمین‌های اسلامی مانند هند، ایران، آناتولی، عراق، شام، مصر، مغرب و اندلس که مرکزیت تمدنی داشته‌اند، اساس بررسی قرار می‌گیرند و تحولات تمدنی با اساس قرار گرفتن این مناطق بررسی می‌شود و می‌توان تعابیری مانند تمدن اسلامی در هند و تمدن اسلامی در مصر و مانند آن را استفاده کرد. بر اساس مدل پیشنهادی دوم، هر کدام از دوره‌های موسوم به نام خاندان‌های حاکمه، که جامعه‌ای مشخص تحت فرمان آن‌ها درآمده و عملاً دوره تاریخی مشخصی از آن سرزمین به نام آن خاندان‌ها شناخته می‌شود، اساس و محور مطالعه تمدنی قرار می‌گیرد، با این ملاحظه که به واسطه آهنگ‌کنند تحولات تمدنی و فرهنگی در دوران پیشامدرن، دوران زمامداری و حکومت این سلسله‌ها باید بنابر عرف تمدن‌پژوهی تا بدان حد به طول انجامیده باشد که امکان و فرصت پدید آوردن یک جامعه و تمدن را داشته باشند و در عین حال در به حرکت در آوردن چرخ تمدنی جامعه تحت زمامداری خود اقدامات مؤثر و قابل شناسایی را به انجام رسانده باشند. بدین ترتیب، قاعدتاً تعداد سلسله‌هایی که حائز این شرایط هستند محدود و کمتر خواهد شد. با این ملاحظات احتمالاً بتوان از تمدن نخستین اسلامی در حجاز (عهد رسالت و دوره خلفای راشدین)، تمدن اموی، تمدن عباسیان، تمدن امویان اندلس، تمدن فاطمیان، تمدن گورکانیان (مغولان) هند، تمدن صفویان و تمدن عثمانیان و چندین تمدن (یا تمدن‌واره) دیگر ذیل کلان‌تمدن اسلامی یاد

کرد. باید توجه کرد که تلقی تک بعدی و تک وجهی از تمدن اسلامی، نادیده گرفتن پیچیدگی‌های مستتر در ماهیت و نیز تنوع سطوح فرهنگی-تمدنی ضمن آن، زمینه فروکاستن این کلان‌تمدن به یک تمدن بسیط و ساده را فراهم آورده یا فراهم خواهد آورد. به نظر می‌رسد که زمان آن فرا رسیده تا از این برداشت سطحی‌گرایانه فاصله گرفته شود و با صورت‌بندی جدید و متفاوت از آن، واقعیت و ماهیت کلان‌تمدن اسلامی، با همه ابعاد و ویژگی‌ها و وجوه متنوع آن، مورد توجه قرار گیرد. با به‌کار بستن هر کدام از الگوهای جغرافیا-سرزمین محور یا جامعه-سلسله‌محور، که هر دو رویکردی تک‌ترگرایانه در نگرش به تمدن اسلامی را فراهم می‌کنند، می‌توان بدون نگرانی از آسیب دیدن کلیت و وحدت ذاتی کلان‌تمدن اسلامی، تنوع و زیست تمدنی ذیل آن و نیز وجود تمدن‌های اسلامی هم‌عرض و هم‌عصر را به رسمیت شناخت. همان‌طور که تجزیه سیاسی جهان اسلام در قالب چندین خلافت و حکومت مستقل و نیمه‌مستقل، نه‌تنها به جهان‌گرایی اسلامی لطمه‌ای وارد نکرد، بلکه حتی بدان یاری رساند^{۲۷} و حتی زمینه را برای ظهور تمدن‌های منطقه‌ای-دوره‌ای مختلف و متنوع اسلامی از جمله تمدن اسلامی عهد فاطمیان فراهم کرد، در مطالعه تمدن اسلامی نیز می‌توان با اطمینان خاطر از تمدن‌های اسلامی منطقه‌ای و در ادوار مختلف و نیز موازی (هم‌زمان با همدیگر) سخن گفت.

با توجه به این‌که مطالعه حاضر در ابعادی، وجه تئوریک و نظریه‌پردازانه پیدا می‌کند، توضیح و تعریف برخی از مفاهیم استفاده شده در درک و فهم مباحث اهمیت زیادی دارد. «تاریخ تمدن اسلامی»^{۲۸} از جمله این مفاهیم است که به‌طور کلی به معرفتی اطلاق می‌شود که با اتکا بر روش/روش‌های تاریخی و با اساس قرار دادن تمدن به عنوان اساس بررسی، درصدد بازخوانی و بازشناسی دستاوردهای مادی و معنوی مسلمانان، جوامع، ملت‌ها و سرزمین‌های اسلامی است. بر این اساس، تاریخ تمدن اسلامی نیز به عنوان

۲۷. گرونپوم، «منابع تمدن اسلامی»، ۱۵۷۳/۲.

معرفتی علمی و رشته‌ای دانشگاهی، بر آن است تا در دو سطح تئوریک و عملی به بررسی و بازخوانی تمدن پدید آمده به دست مسلمین، ادوار مختلف آن، مظاهر و نمادهای شاخص و برجسته آن، در اکثر سرزمین‌های اسلامی و در همه ادوار تاریخی بپردازد. از این رو، واحد و موضوع مطالعه در این معرفت، تمدن و دستاوردهای تمدنی و فرهنگی مسلمین است و هر گونه بررسی از تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و موارد دیگر، از نگاه تمدنی بررسی می‌کند. مفهوم دیگر «کلان تمدن اسلامی»^{۲۹} است؛ به طور معمول از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی مسلمین در پرتو باورها و اعتقادات اسلامی (دین اسلام) در گستره جهان اسلام از شرق تا غرب آن در طول سده‌های پس از ظهور اسلام و تسلط مسلمین بر این مناطق گستره با تعبیر «تمدن اسلامی» یاد می‌شود. این تعبیر و اصطلاح به‌رغم این‌که نشانگر وحدت درونی حاکم بر تمدن اسلامی است، اما تأکید بیش از حد بر آن مانع از درک و فهم کثرت درونی این تمدن با اتکاء به ویژگی‌های منطقه‌ای-جغرافیایی و اعصار و ادوار مختلف آن می‌شود. بر این اساس، به نظر می‌رسد بتوان از این مجموعه کلان به صورت واحد و یکجا با تعبیر جدید و متفاوت «کلان تمدن اسلامی» یاد کرد که در عین حال خود متشکل از مجموعه‌ای از تمدن‌ها یا تمدن‌واره‌ها است. در کنار مفهوم «کلان‌تمدن» برای اشاره به تمدن اسلامی، برای مشخص کردن تمدن‌های منطقه‌ای-سرزمینی، ادواری و نیز گاهی زبانی و مذهبی ذیل و ضمن این کلان‌تمدن، می‌توان از تعبیر «تمدن‌واره»^{۳۰} استفاده کرد. این تفکیک با این هدف در نظر گرفته می‌شود تا بتوان به صورت نظری از دستاوردهای مادی و معنوی (فرهنگی-تمدنی) دوره فاطمیان به عنوان تمدن‌واره‌ای اسلامی ذیل کلان‌تمدن اسلامی یاد کرد و آن را به عنوان مجموعه تمدنی کوچک‌تر در دل تمدن اسلامی به رسمیت شناخت. بدین ترتیب، مطالعه کلان تمدن اسلامی و بازشناسی ابعاد و وجوه مختلف آن، مستلزم تبدیل آن به واحدهای کوچک تمدنی و نیز دوره‌بندی آن

29. The great Islamic civilization

30. Sub-civilization

است و در صورت پذیرش این پیش فرض، می توان در تاریخ تمدن اسلامی از عصر تمدنی موسوم به فاطمیان صحبت کرد. از منظر رویکرد وحدت گرایانه به تمدن اسلامی، این تمدن باید به صورت یک کل واحد از زمان ظهور اسلام تا زمان حاضر در نظر گرفته شود. اما از نظر تنویریک می توان ضمن توجه به ماهیت واحد تمدن اسلامی، با اساس قرار دادن رویکرد کثرت گرایانه، ذیل کلان تمدن اسلامی به تمدن ها یا تمدن واره هایی در گستره وسیع جغرافیایی جهان اسلامی طی دوره طولانی حیات این کلان تمدن قائل شد. با تکیه بر این پیش فرض بنیادین می توان حتی از اعصار تاریخی دولت های مهم مسلمان از بُعد تمدنی نیز با تعبیر تمدن یاد کرد. از این رو، با توجه به دوره نسبتاً طولانی عصر فاطمی (۲۹۷-۵۶۷هـ) و مشارکت پررنگ فاطمیان در امر تمدن سازی و نیز با اعتنا به همه وجوه تمدنی و فرهنگی این دوره، می توان از آن با تعبیر «تمدن فاطمیان» نیز یاد کرد.

درآمدی کلی بر تمدن پژوهی مسلمانان

مسلمانان در عصر حاضر، که مغرب زمین از نظر تمدنی از جهان اسلام پیش افتاده است، به دو دلیل به تاریخ تمدن متقدم خود موسوم به «تمدن اسلامی» می پردازند؛ از یک سو تلاش می شود با رجوع به گذشته ای باشکوه از نظر فرهنگی و تمدنی، جایگاه اسلام و مسلمین در سیر تمدن بشری بازشناسی شود، به ویژه این که تصور بر این است با انتقال میراث علمی و تمدنی مسلمین به غرب، زمینه خیزش تمدنی غربیان ممکن و مقدور گردید.^{۳۱} از سوی دیگر، در شرایط کنونی جهان اسلام خاطره خوش ایام شکوه تمدنی ادوار گذشته، می تواند اعتماد به نفس مسلمانان را در مواجهه با جلوه های تمدنی مغرب زمین افزایش دهد و احتمالاً در زمینه خیزش تمدنی مؤثر افتد. با این اوصاف، تمدن اسلام پژوهی کنونی در بین مسلمانان با موانع متعدد ذهنی و عینی روبه رو است تا جایی که می توان گفت

۳۱. به عنوان نمونه نک. آزاد، نقش تمدن اسلامی در رنسانس عقلی اروپا، ۹۳ به بعد؛ باوفای دلیوند، «تأثیر تمدن اسلامی در تحولات فکری اروپا در سده های میانه»، ۶۰-۷۰.

تعصبات مذهبی، گرایش‌های ملی‌گرایانه و مسائلی از این قبیل، رویکردهای علمی و آکادمیک در این مطالعات را به شکل قابل توجهی تحت الشعاع قرار می‌دهد. از سده‌های پیشین مسلمانان درگیر مشکلات ناشی از فرقه‌گرایی بودند و این مهم حتی از دلایل ضعف و فتور تمدن اسلامی و سستی گرفتن نقش مسلمین در سیر کلی تمدن بشری محسوب می‌شود. با وجود این که گرایش‌های فرقه‌گرایانه همچنان در بین مسلمانان به قوت خود باقی است، ورود جهان اسلام به روند کشور-ملت‌سازی^{۳۲} در سده گذشته، مشکلات مضاعف دیگری در مطالعه تمدن اسلامی پدید آورده است. در نتیجه تلاش‌های همه‌جانبه برای برساختن هویت‌های منطبق با گرایش‌های ملی‌گرایانه، به تدریج قرائت‌های جدیدی از تاریخ اسلام و تاریخ تمدن اسلامی پدید آمد که رویکرد ملی‌گرایانه از ویژگی‌های شاخص و اصلی آن‌ها محسوب می‌شود. از این رو، تمدن اسلامی متعلق به اُمت اسلام و همه مسلمانان، عملاً در منظومه فکری تمدن‌پژوهان مسلمان به حاشیه رانده شد و به جای آن تلاش‌های آشکاری صورت گرفت تا این تمدن (یا کلان تمدن) به گروه‌های جمعیتی و زبانی (قومی و نژادی) خاصی نسبت داده شود. در واقع می‌توان این انتقاد را در خصوص روند کنونی تمدن‌پژوهی مسلمانان مطرح کرد که اغلب در آن‌ها گرایش‌های ملی و تمایلات مذهبی و عقیدتی و موارد بسیاری ترکیبی از این دو رویکرد (یعنی مذهبی و ملی در کنار هم) به شکل بارزی دخالت داده می‌شود؛ به این ترتیب خواسته یا ناخواسته، تمدن اسلامی از ماهیت اصلی و جوهری آن فاصله می‌گیرد و به شکل تمدنی وام‌دارِ صرف یک گروه، ملت یا فرقه و مذهب خاصی جلوه‌گر می‌شود. از این رو، زمانی که پژوهش‌های مربوط به تمدن اسلامی در قرون نخستین اسلامی بررسی می‌شود به‌عنوان مثال به نظر می‌رسد شیعیان صرفاً جریان‌های عقیدتی و سیاسی بوده‌اند و نقش جدی و قابل‌اعتنایی در روند شکل‌گیری و به‌ویژه رشد و اوج‌گیری تمدن اسلامی نداشته‌اند. این در حالی است که در

روزگار شکوه تمدنی اسلام، به‌ویژه سده چهارم هجری، که گاهی با صفت «قرن تشیع»^{۳۳} شناخته می‌شود،^{۳۴} شیعیان علاوه بر اقتدار سیاسی، به‌واسطه ظهور دولت‌هایی مانند آل‌بویه در شرق و فاطمیان در غرب جهان اسلام آن روزگار، در عرصه‌های فرهنگی و تمدنی به شکل چشم‌گیری نقش‌آفرینی کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان اذعان کرد که شیعیان به‌رغم این‌که از نظر جمعیتی در جامعه اسلامی اقلیت محسوب می‌شده‌اند، اما نقشی به مراتب مهم‌تر (در قیاس با جمعیت‌شان) در تاریخ تمدن اسلامی داشته‌اند و علما، دانشمندان، متکلمان، فقیهان و هنروران شیعه‌مذهب پرشماری از مناطق شیعه‌نشین و فرق مختلف شیعه، سهم پررنگی در اعتلاء فرهنگ و تمدن اسلامی داشته‌اند.

برای ترسیم جایگاه دوره فاطمیان از منظر تمدنی در تاریخ تمدن اسلامی و تبیین نسبت این دوره با تاریخ تمدن اسلامی، لازم است بخشی از مسائل و ابعاد مهم مرتبط با فاطمیان در تاریخ اسلام بررسی شود. به‌نظر می‌رسد در صورتی که این ابعاد و وجوه تاریخی مرتبط با فاطمیان تبیین شود، بنیان‌های نظری و اندیشه‌ای مربوط به تمدن عصر فاطمیان روشن می‌شود و امکان و بستر بحث درباره جایگاه و اهمیت این مقطع مهم در تاریخ تمدن اسلامی فراهم می‌گردد.

اسماعیلیه فرقه‌ای شیعی-اسلامی

فاطمیان دولتی برخاسته از دل جنبشی مذهبی بودند و به‌طور کلی وجه تمایز آن‌ها با دولت‌های مسلمان هم‌عصر خود باور به مذهب اسماعیلی بود که در عین حال باورهای مبتنی بر این مذهب، دعاوی سیاسی و مشروعیت دولت و حاکمیت آن‌ها را تضمین می‌کرد. از این‌رو، برای بازشناسی جایگاه دولت فاطمیان در تاریخ و تمدن اسلامی به‌ناگزیر باید جنبش اسماعیلی بازخوانی شود. همان‌طور که جامعه اسلامی بعد از رحلت بنیانگذار

33. The Century of Shiism

34. Tignor, 154; Arthur and Davidson, 87.

آن دچار تشتت شد و به دنبال آن جریان‌هایی سیاسی-مذهبی موسوم به تسنن، تشیع و خوارج شکل گرفتند،^{۳۵} به تدریج پیروان این جریان‌ها نیز به دلیل اختلاف نظر، عقیده و دیدگاه‌هایشان در خصوص مسائل مهم به فرق و مذاهب مختلفی تقسیم شدند. در این بین، شیعیان نیز در طول دو قرن نخست هجری، به‌ویژه به دلیل اختلاف نظر درباره شخص امام و تفاوت دیدگاه در مسائل جانشینی امامان، به فرق مختلفی تقسیم شدند که حاصل آن ظهور مذاهب و فرقه‌های اثنی‌عشریه، زیدیه و اسماعیلیه بود که البته باید جریان کیسانیه را نیز بدانها افزود.^{۳۶} در واقع، مذهب اسماعیلی، یکی از سه جریان مذهبی مهم ذیل تشیع به حساب می‌آید که البته باطنی‌گرایی از جمله ویژگی‌ها و وجوه افتراق آن از دیگر فرق شیعی و اسلامی محسوب می‌شود. جریان سیاسی-مذهبی اسماعیلیه با محوریت فاطمیان، با وجود برخی تردیدها درباره نسب آن‌ها،^{۳۷} بعد از حدود یک و نیم قرن تکاپوی مخفیانه، موفق به تشکیل دولت شدند،^{۳۸} دولتی که تا زمان سقوط آن، مهم‌ترین قدرت سیاسی شیعی در جهان اسلام محسوب می‌شد. در آن مقطع از تاریخ اسلام، جریان تشیع اسماعیلی-فاطمی، با توجه به برخورداری از جریانی مستقر و داشتن قلمرو جغرافیایی معینی، بیش از جریان‌های دیگر شیعی، شرایط لازم برای پویای تمدنی را داشت و چون بر خلاف سایر جریان‌های شیعی، تحت سلطه سیاسی و هژمونی دولت‌های سنی قرار نداشت، در روند تمدن‌سازی به صورت مستقل‌تری عمل می‌کرد و شاید بتوان گفت که مهم‌ترین و عینی‌ترین مشارکت شیعیان در آن دوره از تاریخ اسلام و سده‌های چهارم تا ششم هجری در سایه حمایت دولت فاطمیان و با مشارکت و مجاهدت آن‌ها ممکن و مقدور شد؛ واقعیتی که می‌توان از آن تحت عنوان تمدن اسلامی عصر فاطمیان یا همان تمدن‌واره فاطمیان یاد کرد.

۳۵. بارتولد، ۱۰-۱۱؛ عنایت، ۲۱-۲۶.

۳۶. برای روند ظهور فرق شیعه نک. صابری، ۲/۲۵ به بعد؛ دفتری، ۳۶ به بعد.

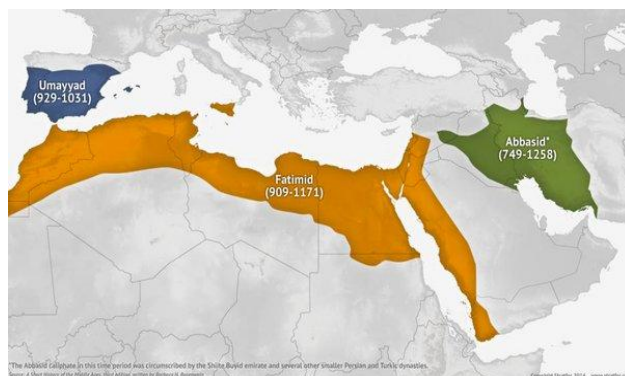
۳۷. نک. الهمدانی، ۹ به بعد؛ Daftary, 100-107.

۳۸. برای بحث تاریخی درباره تأسیس دولت فاطمیان نک.

جایگاه و اهمیت فاطمیان در تاریخ اسلام

در یک دوره‌بندی و تقسیم‌بندی کلاسیک از تاریخ اسلام تا برافتادن عباسیان در ۶۵۶هـ.ق تاریخ اسلام، به دوره صدر اسلام مشتمل بر دو مقطع رسالت پیامبر (ص) و خلفای راشدین، دوره امویان و دوره عباسیان تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی در واقع دوره‌بندی رایج و مبتنی بر نگرشی ایدئولوژیک است و از این رو، به همان اندازه که برای ترسیم واقعیت‌های شرق جهان اسلام (از عراق به سمت شرق) راه‌گشا و واقع‌گرا نیست، در ترسیم واقعیت‌های تاریخی غرب جهان اسلام نیز چندان کارآیی ندارد؛ افزون بر آن استفاده از این دوره‌بندی، به واسطه وجه تحمیلی ایدئولوژیک نهفته در ماهیت آن، مخدوش‌کننده واقعیت‌های تاریخی این قسمت از جهان اسلام در دوره مذکور نیز خواهد بود. اگر دولت‌هایی که از اواخر قرن دوم هجری در شرق جهان اسلام پدیدار شدند، حداقل به شکل ظاهری و اسمی و برای کسب مشروعیت حکومت خود به‌ناگزیر از خلفای عباسی اعلام اطاعت و از آن‌ها لواء دریافت می‌کردند،^{۳۹} اما اغلب دولت‌های غرب جهان اسلام، از جمله دو دولت بزرگ امویان اندلس و فاطمیان افریقایه (مغرب) نه تنها تابع عباسیان نبودند، بلکه رقبا و حتی دشمنان سیاسی و ایدئولوژیک این قدرت حاکم بر شرق جهان اسلام نیز بودند. از این رو، برای هفت قرن نخستین هجری دوره‌بندی واقع‌گرایانه‌ای ضروری به نظر می‌رسد و این مهم به‌ویژه برای غرب جهان اسلام بیش از پیش الزامی است تا واقعیت‌های تاریخی این منطقه را به شکل عینی‌تری بازتاب دهد. برای تعدیل بخشی از این نقیصه‌ها دوره‌بندی پیشنهادی «صدراسلام»، دوره امویان و دوره خلافت‌های سه‌گانه متقارن/معاصر (عباسی، فاطمی و اموی اندلس) می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اگرچه به صورت طبیعی باید بخشی از انتقادات مربوط به دوره‌بندی پیشین را بر این دوره‌بندی نیز وارد دانست، اما به هر حال در مقایسه می‌توان آن را یک گام به جلو جهت دست یافتن به یک دوره‌بندی قابل قبول‌تر منطبق با واقعیت‌های تاریخی این مقطع از تاریخ اسلام محسوب کرد. با پذیرفتن و

مد نظر قرار دادن این دوره بندی، این فرصت و امکان فراهم می‌گردد که جایگاه و نیز اهمیت دوره-دولت‌هایی غیر از عباسیان نیز در تاریخ اسلام و در بازه زمانی شش و هفت سده نخستین به شکل مناسب‌تری ترسیم می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت با توجه به این‌که دولت فاطمیان یکی از چهار دولت و قدرت اصلی یا دولت-خلافت‌های اصلی حاکم بر جهان اسلام بعد از عصر رسالت و خلفای راشدین تا زمان یورش مغولان و سقوط بغداد محسوب می‌شود، می‌توان دوره زمانی حیات این دولت (۲۹۷-۵۶۷هـ) را به مثابه یکی از چهار دوره اصلی و مهم سلسله‌های خلافتی متشکل از دوره امویان (سفیانی- مروانی)، دوره عباسیان، دوره امویان اندلس و دوره فاطمیان مدنظر قرار داد. نکته مهم دیگر این‌که، علاوه بر طول دوره و استمرار تاریخی دوره فاطمیان که می‌توان آن را با سه خلافت دیگر مقایسه کرد، از نظر گستردگی قلمرو نیز می‌توان با آن‌ها قابل مقایسه و هم‌وزن دانست (نقشه شماره ۱).



نقشه شماره ۱: قلمرو سه خلافت اسلامی (عباسیان، فاطمیان و امویان اندلس)^{۴۰}

40. <https://qph.cf2.quoracdn.net/main-qimg-8874d8036396e66530d1800240b2c540-pjlq>

ویژگی و اهمیت خاص ترسیم دوره‌بندی-تقسیم‌بندی متکی بر خلفای سه‌گانه متقارن برای سده‌های دوم تا هفتم هجری این است که با توجه به حضور دولت-خلافت فاطمیان در آن، بستر و شرایط مناسب‌تری برای عینیت بخشیدن و به رسمیت شناختن حضور جریان تشیع (هرچند با محوریت تشیع اسماعیلی)، به عنوان یکی از دو کلان‌جریان مذهبی در تاریخ اسلام در این سده‌ها فراهم می‌گردد. در اکثر دوره‌بندی‌ها از تاریخ اسلام و همچنین تاریخ تمدن اسلامی، نقش و حضور شیعیان دخالت داده نشده است، حال آن‌که هر سه جریان شیعی عمده یعنی اثنی عشریه، زیدیه و اسماعیلیه نقش و جایگاه غیرقابل انکار در تاریخ و تمدن اسلامی ایفا کرده‌اند. نکته مهم دیگر و البته مؤید همین مطلب این‌که، دولت فاطمیان در نوع خود نمونه جالبی از حکومت دینی در تاریخ اسلام محسوب می‌شود که پایه اصلی مشروعیت آن دعوی پیوستگی نسبی با پیامبر اسلام (ص) بود.^{۴۱} از این جهت نیز چه به عنوان یک دولت و چه به مثابه یک دوره، در تاریخ اسلام حائز اهمیت ویژه‌ای است. همچنین مصر، به عنوان پایگاه و سرزمین قلمرو مرکزی و اصلی فاطمیان، در دوره حاکمیت آن‌ها، نه تنها از نظر سیاسی به معنی واقعی آن مستقل شد و از ولایتی تابع عباسیان به خلافتی مستقل ارتقاء یافت، بلکه خود را شایسته حکومت بر سراسر جهان اسلام می‌دانست.^{۴۲} بر همین اساس نیز گاهی فاطمیان از جمله بزرگ‌ترین فرمان‌روایانی دانسته می‌شوند که بر مصر^{۴۳} و بخش وسیعی از جهان اسلام حکومت کردند. از این جهت نیز دوره فاطمیان دارای شرایط لازم برای مد نظر قرار گرفتن به عنوان یک دوره و مقطع تاریخی مهم در تاریخ اسلام است.

۴۱. سید، تاریخ الدولة الفاطمية فی مصر تفسیر جدید، ۲۰.

۴۲. همو، «دراسة نقدية لمصادر تاریخ الفاطميين فی مصر»، ۱۲۹.

۴۳. زکی، ۳۳.

قلمرو سیاسی و تمدنی فاطمیان

اگر دوره فاطمیان به عنوان یک دوره مستقل و مشخص ذیل تاریخ اسلام و تاریخ تمدن اسلامی در نظر گرفته شود، در بررسی و مطالعه تمدن دوره فاطمیان یکی از مسائل مهم قلمرو جغرافیایی آن است. تأسیس دولت فاطمیان در سال ۲۹۷ هـ، به دلیل پیامدهای ناشی از آن در تحولات سیاسی، مذهبی و همچنین فکری-فرهنگی جهان اسلام آن روز، نقطه عطفی در تاریخ اسلام نیز محسوب می‌شد. با تحقق این مهم دولتی در جغرافیای سیاسی جهان اسلام پا به عرصه ظهور گذاشته بود که به پشتوانه انتساب به اهل بیت پیامبر (ص)، قدرت‌های سیاسی رقیب و عمدتاً اهل سنت و در رأس آن‌ها عباسیان را از نظر سیاسی به چالش کشیده بود. تلاش فاطمیان برای معرفی خود به عنوان برحق‌ترین حاکمان مسلمان موجب شد تا انتساب به پیامبر (ص) از طریق حضرت فاطمه (س) را برجسته نمایند و دولت خود را «دولت فاطمیان» یا بنابر آنچه در اسناد صادر شده از دیوان‌الانشاء دوره فاطمیان بر می‌آید با تعبیری مانند «الدولة الفاطمية»^{۴۴}، «الدولة العلویة»^{۴۵}، «الخلافة العلویة»^{۴۶} و «الخلافة الفاطمية»^{۴۷} بنامند.^{۴۸}

فاطمیان که از همان ابتدا اشتیاق زیادی برای فتح سراسر جهان اسلام نشان می‌دادند، تلاش فراوانی را در این باره به کار بستند. بعد از ناکامی چند باره در گشودن مصر، در نهایت در سال ۳۵۸ هـ و در شرایطی که بخش‌های زیادی از مغرب را تحت انقیاد خود درآورده بودند،^{۴۹} اخشیدیان و نفوذ عباسیان از سرزمین مصر را برانداختند. سپاهیان فاتح مصر بعد از تثبیت شرایط خود در این سرزمین، با استفاده از شرایط پیش آمده تا شامات و دمشق نیز

۴۴. السجلات المستنصرية، ۱۰۴، ۱۰۹.

۴۵. همان، ۵۱، ۹۴.

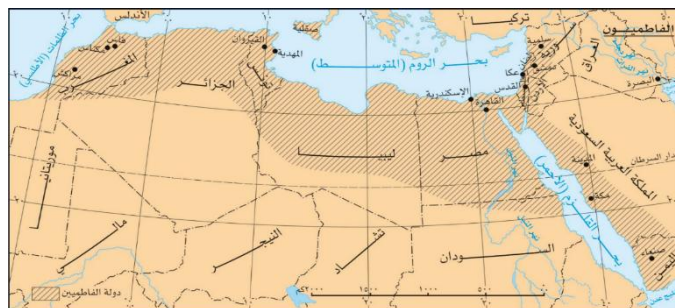
۴۶. همان، ۷۲.

۴۷. همان، ۱۸۶.

۴۸. قس. ماجد، نظم الفاطميين و رسومهم في مصر، ۸.

۴۹. ادريس عمادالدين، ۶۰۲؛ المقریزی، اتعاظ الحنفاء، ۹۳/۱-۹۴.

پیش رفتند.^{۵۰} حضور و نفوذ فاطمیان در شامات تحول مهمی در شرایط سیاسی و نیز فرهنگی-تمدنی شامات محسوب می‌شد و به معنی پیوستگی سیاسی و تمدنی آن به مصر و قاهره، به جای عراق و بغداد بود. از آن جا که سرزمین مصر در میانه این قلمرو گسترده قرار گرفته بود، بعد از بنای شهر قاهره و تثبیت سلطه فاطمیان بر آن جا، امام-خلیفه فاطمی در ۳۶۲ هجری شهر تازه تأسیس قاهره شد و بدین ترتیب مرکز و پایتخت دولت فاطمیان نیز از منصوریه در افریقیه به قاهره در مصر منتقل شد. فاطمیان علاوه بر گسترش قلمرو سرزمینی از طریق خشکی، در بحر متوسط (بحر ایض) یا همان دریای مدیترانه نیز به قدرت بلامنازعی تبدیل شده بودند و به همین دلیل نیز گاهی از آن‌ها با تعبیر «امپراتوری مدیترانه‌ای»^{۵۱} یاد می‌شود.^{۵۲} بدین ترتیب، فاطمیان در اوایل نیمه دوم قرن چهارم هجری، علاوه بر تسط بر بیشتر نواحی مغرب، مصر را نیز به متصرفات خود اضافه کردند و به دنبال آن دامنه نفوذ خود را تا شامات، فلسطین و حجاز گسترش دادند. بدین ترتیب تحولات بخش وسیعی از جهان اسلام آن روز با این دولت پیوند خورد.



نقشه شماره ۲: قلمرو فاطمیان در گسترده‌ترین حالت آن^{۵۳}

۵۰. المقریزی، اتعاض الحنفاء، ۱۲۰/۱.

51. Mediterranean Empire

52. See. 1, 11 Jiwa.

53. <http://arab-ency.com.sy/img/res/0/7311/1.jpg>

اگرچه اغلب زمانی که بحث قلمرو یک دولت مطرح می‌شود، عمدتاً قلمرو سیاسی آن مد نظر قرار می‌گیرد، اما در خصوص دوره فاطمیان و از منظر تمدنی می‌توان به شکل دیگری به این مهم نگریست. دوره فاطمیان دوره و مقطعی از تاریخ تمدن اسلامی است و دستاوردها و موارث آن با کلیت موارث تمدنی دوره اسلامی و مسلمانان در هم تنیده شده‌است. با این اوصاف، آن چه به عنوان قلمرو تمدنی برای این دوره در نظر گرفته می‌شود صرفاً برای این است که بر اساس آن بتوان تصویری از فضای تمدنی این دوره در چارچوب کلی تمدن اسلامی ارائه داد. با وجود تغییراتی که در ادوار مختلف در قلمرو سیاسی فاطمیان رخ داد، قلمرو تمدنی فاطمیان شرایط متفاوت‌تری داشت. مصر و در رأس شهرهای آن قاهره، مهم‌ترین محدوده‌ای است که تمدن عصر فاطمیان در ابعاد مختلف مادی و معنوی در آن متجلی شد و بدون شک شهر قاهره را می‌توان نماد تمدن عصر فاطمیان در نظر داشت. با وجود این که فتح مصر قدم مهمی برای تحقق بخشیدن به اهداف مذهبی و سیاسی فاطمیان محسوب می‌شد^{۵۴} و فاطمیان بیشتر دوره حکومتی خود را در این سرزمین باقی ماندند، اما حضور در مصر این امکان را برای این دولت شیعی-اسماعیلی فراهم آورد تا به مدت دو قرن در اداره بخش وسیع و مهمی از جهان اسلام با رقبای عباسی و اموی خود مشارکت داشته باشد و در عین حال در شکوفاترین دوره تمدن اسلامی یعنی قرون چهارم تا ششم هجری نقشی پررنگ و تعیین‌کننده در این فعالیت‌های تمدنی داشته باشد تا جایی که مصر نیز در دوره حاکمیت فاطمیان به اوج تمدنی خود در دوره اسلامی رسید.^{۵۵}

با وجود این که اغلب این تصور وجود دارد که فاطمیان علاقه زیادی برای حضور طولانی مدت در مغرب نشان نمی‌دادند،^{۵۶} اما افریقیه را نیز با توجه به بنای دو شهر مهدیه و منصوریه توسط فاطمیان، می‌توان پایگاه و محدوده دوم تمدنی فاطمیان بعد از مصر در نظر

54. Lev, 192.

۵۵. سید، «دراسة نقدية لمصادر تاريخ الفاطميين في مصر»، ۱۲۹.

۵۶. تورنو، ۱۱۰۸/۲.

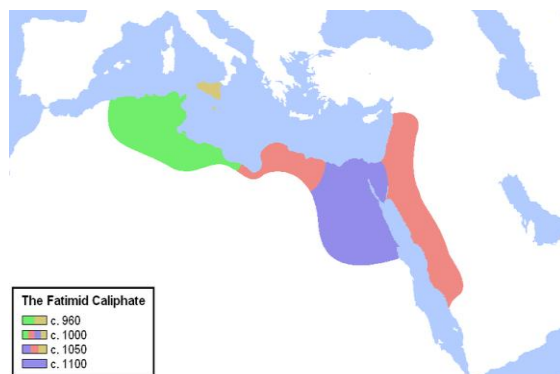
گرفت. در سایر نواحی از جمله حجاز و شام نیز کم‌وبیش مصادیق تمدنی عصر فاطمی پدیدار شده بود. علاوه بر این سه حوزه جغرافیایی مرکز، پیرامون و حاشیه‌ای که برای تمدن عصر فاطمیان ذکر شد، می‌توان یک محدوده دیگری را نیز برای آن برشمرد که خارج از محدوده سرزمینی و قلمرو سیاسی فاطمیان بود. بنابر اهداف مد نظر دستگاه دعوت اسماعیلی برای فراگیر کردن باورهای اسماعیلی، کره زمین به دوازده جزیره تقسیم می‌شد که عبارت بودند از جزیره العرب، جزیره روم، جزیره صقالبه، جزیره نوب (نوبه)، جزیره خزر، جزیره هند، جزیره سند، جزیره زنج، جزیره حبش، جزیره چین، جزیره دیلم و جزیره با توجه به اشاعه باورهای مذهبی اسماعیلی در مناطق مختلف در جهان اسلام، اگر بتوان این اشاعه را نتیجه تلاش‌های دستگاه دعوت اسماعیلی دانست، می‌توان گفت که در این مناطق، که عمدتاً خارج از حوزه قلمرو سیاسی فاطمیان بود، سطحی از میراث معنوی فاطمی-اسماعیلی وجود داشته‌است؛ هر چند که باید تأکید کرد که در این‌جا مذهب و دستاوردهای مذهبی مترادف و همدیاف تمدن و فرهنگ در نظر گرفته نشده بلکه باید بخشی و سطحی از آن دانسته شود. همچنین باید در نظر داشت در این سطح میراث فرهنگی-تمدنی اسماعیلی-فاطمی با سایر موارث تمدن مسلمانان در هم آمیخته و ممزوج شده‌است.

در یک جمع‌بندی کلی از قلمرو تمدنی فاطمیان می‌توان گفت که در شرایطی که قرن چهارم هجری عصر نهضت علمی در شرق جهان اسلام بود، در مصر در سایه حضور فاطمیان نیز تمدن بزرگی بنیان افکنده شد که در آن تشکیلات و دیوانسالاری، آیین‌های مناسبتی و جشن‌ها، عمران و معماری به اوج رسید.^{۵۸} تمدنی را که مصر در دوره فاطمیان با همه مظاهر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن تجربه کرد، امری خلق الساعه نبود و در نتیجه ظهور و بروز عوامل مختلف تاریخی داخلی و خارجی خاص خود محقق شد.

۵۷. قاضی‌النعمان، ۷۴/۲، ۴۸/۳-۴۹.

۵۸. سید، «دراسة نقدية لمصادر تاریخ الفاطميين في مصر»، ۱۲۹.

به دنبال حاکمیت فاطمیان و با فراهم آمدن بسترهای مناسب و لازم، کشاورزی شکوفا شد، صنایع رشد کردند و تولیدات آنها افزایش یافت، تجارت داخلی رونق گرفت، مناسبات خارجی افزایش یافت؛^{۵۹} بدین ترتیب جامعه مصر در مسیر پیشرفت تمدنی نیز قرار گرفت. بر این اساس می‌توان گفت که دولت فاطمیان از چند جهت در تاریخ و تمدن اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از یک سو، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دولت شیعی در تاریخ اسلام تا قبل از قرن دهم هجری محسوب می‌شود که توانست به مدت بیش از دو و نیم قرن بر بخش‌های وسیعی از جهان اسلام حکمرانی کند. علاوه بر این، به واسطه دستاوردهای فرهنگی و تمدنی که در طول دوره فاطمیان پدیدار شد، فصل مهمی از مشارکت تشیع اسماعیلی در روند تمدنی اسلام و مسلمانان را نمایندگی می‌کرد. به واسطه ظهور دولت فاطمیان در جغرافیای جهان اسلام، رقابت و مواجهه دو جریان مذهبی اسلامی یعنی تشیع و تسنن، علاوه بر وجوه مذهبی-فرهنگی و سیاسی، وجه تمدنی نیز یافت و فاطمیان با رقبای اصلی خود یعنی عباسیان و امویان اندلس در بعد تمدنی نیز وارد رقابت شدند که البته این نوع از رقابت آثار مطلوب تمدنی چشمگیری برای جهان اسلام و تمدن اسلامی به دنبال داشت. از این رو، همانطور که در بررسی تاریخ اسلام و تحولات تاریخی سده‌های سوم تا ششم هجری، فاطمیان به عنوان یک جریان سیاسی و مذهبی اهمیت ویژه‌ای دارند، در بررسی، مطالعه و تحلیل تحولات تمدنی این مقطع از تاریخ اسلام نیز حائز اهمیت ویژه‌ای هستند، با این ملاحظه که تأثیرگذاری آنها در مسائل فرهنگی و تمدنی بعد از سقوط فاطمیان نیز همچنان با افت و خیزهایی باقی ماند.



نقشه شماره ۳: تحولات قلمرو دولت فاطمیان در ادوار مختلف تاریخی^{۶۰}

بنیان‌های مادی تمدن عصر فاطمی

تولید ثروت عمومی و ارتقاء اقتصادی جامعه و قلمرو عصر فاطمی، به‌رغم همه مشکلات و دشواری‌هایی که جوامع پیشامدرن با آن روبه‌رو بودند و گاهی بنابر تغییرات اقلیمی و آب و هوایی و وقوع خشکسالی‌ها به‌شدت دچار تلاطم و اضطراب می‌شدند، از اقدامات مهم و پایه‌ای فاطمیان به‌ویژه در مصر بود. البته در دوره مغرب نیز موفقیت‌هایی در این زمینه حاصل شده بود و بنیان‌گذاری دو شهر مهدیه و منصوریه و فعالیت‌های عمرانی در آن‌ها خود شاهد روشنی بر این مدعا می‌تواند باشد. اتفاقاً فاطمیان به صورت ویژه در دوره فرمانروایی المعزالدین‌الله موفقیت قابل توجهی در خصوص تولید و انباشت ثروت در مغرب به‌دست آورده بودند و به‌پشتوانه همین ثروت انباشته شده بود که فاطمیان شرایط و زمینه تسلط بر مصر را فراهم آوردند.^{۶۱} یکی از عوامل مهم در بحث تولید ثروت برای جامعه، فراهم آوردن شرایط لازم برای مشارکت آحاد مختلف جامعه در آن است. فاطمیان، با یک واقع‌گرایی عمل‌گرایانه، با در پیش گرفتن سیاست عمومی مبتنی بر تسامح و تساهل،

60. <https://www.worldhistory.org/img/r/p/750x750/11618.png.webp?v=1630535404>

۶۱. المقریزی، اتعاض الحنفاء، ۹۷/۱.

امکان بالفعل شدن ظرفیت‌های اقتصادی بسیاری از گروه‌ها در جامعه و قلمرو تحت فرمان خود را فراهم آوردند. از این رو، امکان حضور و مشارکت اهل ذمه، مسیحیان و یهودیان در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری فراهم شد. حضور پررنگ و موفق اهل ذمه از جمله یهودی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و به‌ویژه تجارت^{۶۲} از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادی این دوره از تاریخ فاطمیان محسوب می‌شود؛ کم‌این‌که شخصیت‌هایی از اهل ذمه در مناصب کلیدی دولت مانند وزارت به‌کار گرفته شدند.^{۶۳} از منظر برخی پژوهشگران، در سایه «سیاست باز و تساهل‌آمیز اقتصادی فاطمیان»، مصر در این دوره فعال‌ترین و پرتعدادترین راه‌های بازرگانی جهان اسلام را داشت.^{۶۴} تردد و رفت و آمد کاروان‌های تجاری که از قلمرو فاطمیان و مصر می‌گذشت، جامعه عصر فاطمی را در مسیر و کانون جابه‌جایی ثروت در جهان اسلام قرار می‌داد و با منتفع شدن عموم مردم از آن، ثروت قابل توجهی انباشته می‌شد و به حاکمان فاطمی و کلیت جامعه امکان مشارکت و نقش‌آفرینی بیشتر در امر تمدن‌سازی و نیز فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی و مانند آن را فراهم می‌کرد.

به دلیل غلبه نگاه‌های عامیانه عقیدتی بر جوامع سنتی اسلامی، از جمله مصر پیش از فاطمیان، در شرایطی که تعداد قابل توجهی از قبطنی‌ها در این سرزمین زندگی می‌کردند، اما به دلیل باقی ماندن آن‌ها بر آیین مسیحیت، مسلمانان عمدتاً اهل سنت نسبت به حضور آن‌ها در عرصه عمومی جامعه واکنش نشان می‌دادند. فاطمیان در پرتو سیاست مبتنی بر تسامح خود درصدد برآمدند تا این نگرش غالب بر جامعه درباره اهل ذمه را تغییر دهند و از این رو، با وجود مقاومت‌ها و مخالفت‌های اهل سنت مصر، اجازه بازسازی و احیانا ساخت برخی از کنسپه‌ها و کلیساها را بدانها دادند و حتی المعز از این اقدام آن‌ها به صورت مالی

۶۲. به عنوان نمونه نک. المقریزی، الخطط، ۳۹۸/۲.

۶۳. همو، اتعاظ الحنفاء، ۲۸۳/۱، ۲۹۲-۲۹۳.

۶۴. سید، الدولة الفاطمية في مصر، ۱۵۵.

نیز حمایت کرد.^{۶۵} می‌توان وصلت میان فاطمیان با همسرانی مسیحی مانند ازدواج العزیز بالله با زنی مسیحی، را نیز از این منظر مورد توجه قرار داد.^{۶۶} به‌رغم این‌که بنابر رویکردهای دینی، اغلب چنین اقدامی به مثابه نفوذ غیرمسلمانان بر جامعه و دولتی اسلامی تفسیر می‌شد، اما از منظر تمدنی اقدامی مهم برای هویت‌بخشی به اقشار مختلف جامعه و تلاش برای بهره‌گیری از ظرفیت و توان آن‌ها به نفع کل جامعه محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که اکثریت اهل سنت مصر، به ویژه به دلیل چیره بودن نگرش مذهبی، بنابر تعصب دینی به این تحولات می‌نگریستند و به دلیل اختلاف عقیدتی و مذهبی با حاکمان فاطمی، تسامح با اهل ذمه را به ضرر اسلام و مسلمانان ارزیابی می‌کردند.^{۶۷}

نتیجه

برای بازاندیشی جایگاه و اهمیت دوره فاطمیان در تاریخ اسلام و تاریخ تمدن اسلامی، بازتعریف دولت فاطمی از قدرت سیاسی صرف به دولتی تمدنی الزامی است. ابعاد و ویژگی‌هایی مانند دوره نسبتاً طولانی بیش از دو و نیم قرن و قلمرو گسترده‌ای که دامنه جغرافیایی آن پیوسته در حال تغییر بود و به‌ویژه دستاوردهای فرهنگی-تمدنی این دوره در زمینه‌های مختلف، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که مقدمات و بستر لازم برای ترسیم یک جایگاه والا و البته واقع‌گرایانه برای دوره فاطمیان در تاریخ تمدن اسلامی را فراهم می‌کند. جنبش اسماعیلی به‌عنوان یک جریان مذهبی، حضور و تأثیر خود در تاریخ اسلام را آغاز کرد و بعد از حدود یک و نیم قرن بعد با تأسیس دولت به‌صورت آشکار در صحنه تاریخ اسلام ظاهر شد و به‌دنبال آن با محوریت دولت فاطمیان در جغرافیای سیاسی و نیز تمدنی جهان اسلام ایفاء نقش نمود. فاطمیان به‌رغم همه مسائل، موانع و مشکلاتی که در

۶۵. ابن مقفع، ۹۶/۲-۹۷؛ پنجه، ۱۰۰-۱۰۱.

۶۶. نک. ابن الجوزی، ۱۹۰/۷.

۶۷. ابن الاثیر، الکامل، ۱۱۶/۹-۱۱۷؛ المقریزی، اتعاظ الحنفاء، ۲۹۷/۱.

مغرب و مصر پیش رو داشتند، به مدت دو و نیم قرن به حضور خود در صحنه تاریخ اسلامی یعنی تا سال ۵۶۷ هجری استمرار بخشیدند که دوره‌ای طولانی برای یک دولت در مقایسه با بسیاری از دولت‌های اسلامی دیگر محسوب می‌شود. در کنار دوره نسبتاً طولانی، قلمرو تحت فرمان فاطمیان نیز، به‌رغم تغییرات در طول زمان، قلمرو گسترده‌ای بود. در دوره قدرتمندی فاطمیان علاوه بر مصر که تحت تسلط مستقیم آن‌ها قرار داشت، سرزمین‌های افریقایه و مغرب، شام و فلسطین و نیز حجاز و یمن تحت سیطره آن‌ها قرار گرفته بودند و در این مناطق یا والیان و نایبانی از طرف فاطمیان حکومت می‌کردند و یا حداقل به نام خلفای فاطمی خطبه خوانده می‌شد. بر این اساس می‌توان گفت که دوره تاریخی طولانی و قلمروی گسترده، بسترهای تاریخی و جغرافیایی برای ایجاد و رشد تمدنی در عصر فاطمیان را فراهم آورده بود. همچنین فاطمیان با رونق بخشیدن به کشاورزی و تجارت در مصر، بنیان‌های مادی و اقتصادی لازم برای فعالیت‌های کلان و گسترده تمدنی را فراهم آوردند که در قالب سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فرهنگی و علمی، هنر و معماری و سایر حوزه‌ها همراه بود. در واقع رشد و توسعه تمدنی در این دوره موجب شده بود مصر و به‌ویژه شهر قاهره به یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مراکز فرهنگی و تمدنی جهان اسلام از قرن چهارم تا قرن ششم تبدیل شده بود و با بغداد و قرطبه هم‌اوردی می‌کرد. با توجه به جمیع مباحث مطرح شده می‌توان گفت که در مطالعه تاریخ تمدن اسلامی، می‌توان از دوره‌ای مستقل تحت عنوان «تمدن اسلامی در عصر فاطمیان» یا «تمدن فاطمی یا تمدن دوره فاطمیان» یاد کرد، تمدنی که هم‌زیست و از نظر تاریخی موازی و معاصر تمدن‌های اسلامی در سایر سرزمین‌های اسلامی مانند «تمدن اسلامی در عصر عباسی» یا «تمدن عباسیان» و «تمدن اسلامی در عصر امویان اندلس» یا «تمدن اموی اندلس» بود.

کتابشناسی

- آزاد، تکتیم، با همکاری علیرضا آزاد، نقش تمدن اسلامی در رنسانس عقلی اروپا، تهران، سپیده باوران، ۱۳۸۹ ش.
- ابن مقفع، ساویرس، تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية، المجلد الثاني، الجزء الثاني، به کوشش یسی عبدالملک و دیگران، القاهرة، مطبعة المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقية بالقاهرة، ۱۹۴۸ م.
- ابن الاثیر، عزالدین أبو الحسن، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر- دار بیروت، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م.
- ابن الجوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاریخ الملوك و الأمم، الجزء السابع، حیدرآباد الدکن، مطبعة دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۵۸ ق.
- یدریس عمادالدین، تاریخ الخلفاء الفاطميين فی المغرب القسم الخاص من عيون الأخبار، به کوشش محمد الیعلوی، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۸۵ م.
- بارتلد، واسیلی ولادیمیر، فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه عباس بهنژاد، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۳ ش.
- بارتولد، و.و. خلیفه و سلطان، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸ ش.
- باوقای دلیوند، ابراهیم، «تأثیر تمدن اسلامی در تحولات فکری اروپا در سده های میانه»، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۱۱، ۱۳۹۵ ش.
- البروای، راشد، حالة مصر الاقتصادية فی عهد الفاطميين، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۴۸ م/ ۱۳۶۸ ق.
- بروکلمان، کارل، تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه هادی جزایری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ ش.
- پنجه، معصومعلی، گروش قبطیان به اسلام: زمینه ها، علل و پیامدها، تهران، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.
- تورنو، راجرلو، «آفریقای شمالی تا قرن شانزدهم»، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، ج ۲، تهران، انتشارات مهتاب، ۱۳۸۷ ش.
- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگه، ۱۳۸۰ ش.
- دفتری، فرهاد، تاریخ تشیع، ترجمه رحیم غلامی، تهران، انتشارات فرزانه روز، ۱۳۹۸ ش.
- الرفاعی، انور، تاریخ هنر در سرزمینهای اسلامی، ترجمه عبدالرحیم قنوت، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷ ش.

- زکی، عبدالرحمن، القاهرة، مصر، دارالمستقبل، ۱۳۹۲/۱۹۴۳م.
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹ش.
- السجلات المستنصرية، تقديم و تحقیق عبدالمنعم ماجد، [قاهرة]، دارالفکر العربی، ۱۹۵۴م.
- سید، ایمن فواد، الدولة الفاطمية فی مصر تفسیر جدید، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۷م.
- همو، «دراسة نقدية لمصادر تاریخ الفاطميين فی مصر»، دراسات عربية وإسلامية مهداة إلى محمود محمد شاکر، القاهرة، مكتبة الخانجي، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۲م.
- صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۹۰ش.
- عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدين خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۰ش.
- قاضی النعمان، تأویل الدعائم، تحقیق محمد حسن الاعظمی، القاهرة، دارالمعارف، [۱۹۸۲].
- کاهن، کلود، تاریخ العرب والشعوب الإسلامية منذ ظهور الإسلام حتى بداية الأبراطورية العثمانية، نقله إلى العربية بدرالدين القاسم، بیروت، دارالحقیقة للطباعة والنشر، ۱۹۷۲م.
- گرونیوم، جی. ای. ون، «منابع تمدن اسلامی»، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، ج ۲، تهران، انتشارات مهتاب، ۱۳۸۷ش.
- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، طهران، چاپخانه علمی، ۱۳۱۸ش.
- ماجد، عبدالمنعم، نظم الفاطميين ورسومهم فی مصر، [القاهرة]، مكتبة الانجلو المصریه، ۱۹۵۳م.
- همو، ظهور الخلافة الفاطميين و سقوطها فی مصر، الإسكندرية، دارالمعارف بمصر، ۱۹۷۶م.
- متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۷ش.
- مقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد، اتعاظ الحنفاء باخبارالائمة الفاطميين الخلفاء، به کوشش جمال‌الدین الشیال، القاهرة: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، ۱۹۹۶/۱۴۱۶م.
- همو، المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والاثار، به کوشش ایمن فواد سید، لندن، موسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۲۰۰۲-۲۰۰۴م.
- مؤنس، حسین، تاریخ المغرب و حَضَارَتُهُ، بیروت، العصر الحَدِيث للنشر و التَّوْزيع، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.

میکل، آندره با همکاری هانری اوزان، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه علی فروغی، تهران، سمت، ۱۳۹۳ش.

الهمدانی، حسین بن فیض الله، فی نسب الخلفاء الفاطمیین، القاهرة، مطبوعات الجامعة الامریکیة بالقاهرة، ۱۹۵۸م.

Arthur, Goldschmidt Jr. and Davidson, Lawrence, *A Concise History of the Middle East*, Philadelphia, Westview Press, 2010.

Brett, Michael, *The rise of the Fatimids: the world of the Mediterranean and the Middle East in the fourth century of the Hijra, tenth century CE*, Oxford, Leiden, E.J. Brill, 2001.

Canard, M, "Fāṭimids", *IE²*, vol. ii.

Daftary, Farhad, *The Isma'ilis: their History and Doctrines, second edition*, Cambridge University Press, 2007.

Halm, Heinz, *The Empire of Mahdi: the rise of the Fatimids*, translated from the German Michael Bonner, Leiden, E.J. Brill, 1996.

<http://arab-ency.com.sy/img/res/0/7311/1.jpg>

<https://qph.cf2.quoracdn.net/main-qimg-8874d8036396e66530d1800240b2c540-pjlq>

<https://www.worldhistory.org/img/r/p/750x750/11618.png.webp?v=1630535404>

Ivanow, W., *Ismaili tradition concerning the rise of the Fatimids*, Calcutta, Oxford University, 1942.

Lev, Yaacov و "The Fāṭimids and Egypt 301-358/914-969", *Arabica*, T. 35, Fasc. 2 (Jul., 1988), pp. 186-196.

Tignor, Robert L., *Egypt a Short History*, Princeton & Oxford, Princeton University Press, 2011.